

درس ۸

تشبیه

(۱) **دانا** چو **طبله‌ی عطار** است خاموش و هنر‌نمای.

«گلستان سعدی»

(۲) **بلم آرام چون قویی**، سبک‌بار

به نر می بر سر کارون همی رفت

«تولگی»

(۳) **دل** ما به دور رویت ز چمن فراغ دارد

که **چو سرو پای بند** است و **چو لاله داغ دارد**

«حافظ»

(۴) **روز چو شمعی** به شب، **زودرو و سرفراز**

شب چو چراغی به روز، **کاسته و نیمتاب**

«خاقانی»

(۵) **چون آینه**، **جان نقش تو در دل بگرفته** است

دل در **سر زلف تو فرو رفته**، **چو شانه** است

«مولوی»

* بار دیگر جمله‌ی اول را با دقت بخوانید و بکوشید به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

۱ – میان «دانا» و «طبله‌ی عطار» چه رابطه‌ای احساس می‌کنید؟

۲ – مقصود سعدی از این پیوند چیست؟

۳ – خصوصیت مشترکی که سبب پیوند واژه‌ی «دانا» و ترکیب «طبله‌ی عطار»

می‌شود، چیست؟

۴ - این خصوصیت مشترک در کدام واژه بارزتر و مشخص‌تر است؟

۵ - کدام واژه نشانگر ارتباط «دانا» و «طبله‌ی عطار» است؟

سعدی دو ویژگی انسان دانا را در خور توجه می‌داند؛ «خاموشی و هنرنمایی» اما این دو صفت در انسان دانا عینی و محسوس نیست. از این رو، سعدی در عالم خیال خویش، چیزی را جست‌وجو می‌کند که بارزترین صفت‌های آن «خاموشی و هنرنمایی» باشد و این چیزی جز «طبله‌ی عطار» نیست؛ زیرا هرگز صدایی از آن شنیده نمی‌شود و همواره خاموش است. از طرف دیگر، محتوای آن، درمان دردهاست و خوش‌بوی کننده‌ی مشام‌ها و از این رو «هنرنمایی» است. سعدی پس از یافتن «طبله‌ی عطار» میان آن و دانا ادعای همانندی می‌کند؛ همانندی در خاموشی و هنرنمایی و این همانندی را به وسیله‌ی واژه‌ی «چو» نشان می‌دهد. مقصود او از بیان این همانندی، علاوه بر عینی ساختن ویژگی‌های انسان دانا، ستایش از وی نیز هست. این ادعای همانندی را **تشبیه** می‌نامند.

* قایقی را در نظر بگیرید که به آرامی بر روی رودی روان است. آیا می‌توانید برای این قایق کوچک همانندی خیالی بیابید که «آرام رفتن» آن را به بهترین نحو نشان دهد؟ ممکن است چیزهای زیادی به ذهن شما برسد اما شاعر از مجموعه‌ی آن‌ها، «قو» را برگزیده است. چرا که یکی از آشکارترین صفات این پرنده‌ی زیبا، آرام شنا کردن و آرامش او بر سطح آب است. «شبهت» پیوندی است که شاعر میان «بلم» و «قو» ایجاد کرده و این پیوند را با واژه‌ی «چون» نشان داده است. در این تصویر خیالی «بلم» را **مشبّه** می‌خوانیم؛ زیرا به «قو» مانند شده است. «قو» را **مشبّه‌به** می‌گوییم؛ زیرا «بلم» به آن «تشبیه» شده است.

«آرام رفتن» بر روی آب، ویژگی مشترک مشبّه و مشبّه‌به است؛ از این رو **وجه‌شبه** نام دارد و واژه‌ی **چون** که پیوند شبهت را میان مشبّه و مشبّه‌به نشان می‌دهد، **ادات تشبیه** نام می‌گیرد.

* به مصراع دوم بیت سوّم دقت کنید.

دل ما به دور رویت ز چمن فراغ دارد

که چو سروپای بند است و چو لاله داغ دارد

کدام واژه به قرینه‌ی لفظی حذف شده است؟
آیا در این مصراع «ادات تشبیه» وجود دارد؟
ادات تشبیه نشان دهنده‌ی شباهت میان کدام واژه‌هاست؟
در مصراع دوم، چند تشبیه وجود دارد؟
آیا در این تشبیهات وجه شبه ذکر شده است؟

در مصراع دوم، «دل» به دو چیز تشبیه شده است؛ نخست، شاعر آن را در پای بندی به سرو مانند کرده است. او از میان خصوصیات بارز سرو، ویژگی‌ای را ذکر می‌کند که مشبّه (دل) نیز بتواند صاحب آن باشد و گرنه مشبّه به (سرو) ویژگی‌های بارز دیگری نیز دارد که از جمله می‌توان به راست قامتی و سر سبزی مداوم اشاره کرد. راز زیبایی تشبیه نیز در همین نکته است. تشبیه دیگر، ادعای همانندی میان دل (مشبّه) و لاله (مشبّه به) است. این شباهت با واژه‌ی «چو» بیان شده که ادات تشبیه است. از نظر شاعر، صفت بارز «لاله» در این تشبیه «داشتن داغ» است که به شکل لگه‌ای تیره رنگ بر گلبرگ‌های آن دیده می‌شود. او با ذکر وجه شبه، مقصود خویش را - که بیان حال مشبّه باشد، - دقیق‌تر و بهتر بیان کرده است؛ زیرا اگر وجه شبه ذکر نمی‌شد، ممکن بود مخاطب وجه شبه‌ی دیگر، - مثلاً سرخ‌رنگی دل و لاله - را سبب تشبیه بداند. غرض شاعر از این دو تشبیه، اغراق در دوستی محبوب است.

* هنگام صبح است. روز بالا می‌آید و شب تا شبانگاهی دیگر با زمین وداع می‌کند.

شاعر برای توصیف آمدن روز و رفتن شب چنین می‌سراید:

روز چو شمعی به شب، زود رو و سرفراز

شب چو چراغی به صبح، کاسته و نیم‌تاب

در مصراع نخست، روز به شمعی روشن در شب مانند شده است. شمعی که در شب می‌سوزد، هر لحظه بر می‌افروزد و اطراف خود را روشن‌تر می‌سازد و شعله‌های او نیز به سوی آسمان سر می‌کشند؛ از این رو شاعر آن را «زودرو» و «سرفراز» می‌خواند. روز، نیز به هنگام دمیدن چنین است؛ سریع بالا می‌آید و پرتوهای خورشیدش سر به سوی آسمان دارند. در مصراع دوم، شب به چراغی تشبیه شده که در روز می‌سوزد. روشنایی چراغ در

روز چگونه است؟ نور چراغ در روز کم تر از حدّ واقعی آن به نظر می‌رسد و به تعبیر شاعر، «کاسته و نیمتاب» است.

شب به هنگام سپیده دم، دیگر توانی ندارد و از نظر شاعر بهترین چیزی که می‌تواند حال آن را برای مخاطب بیان کند، چراغی افروخته به روز است. شب «مشبه»، چراغ «مشبه به»، چو «ادات تشبیه» و کاسته و نیمتاب «وجه شبه» است.

* در آخرین بیت :

چون آینه، جان‌نقش تو در دل بگرفته است دل در سرزلف تو فرو رفته، چو شانه است
با دو تشبیه روبه‌رو هستیم. در مصراع اول، «جان» به «آینه» تشبیه شده است. «چون» ادات تشبیه و «نقش چیزی را در دل گرفتن» وجه شبه است. مقصود شاعر از این تشبیه، این است که آن چه او درباره‌ی مشبه (جان) ادعا می‌کند ممکن است. او ادعا کرده که جان (مشبه) نقش محبوب را در دل گرفته است. برای آن که این ادعا با انکار مخاطب روبه‌رو نشود، مشبه را در داشتن چنین حالی به آینه تشبیه می‌کند؛ زیرا بارزترین ویژگی آینه همین است که تصویر چیزها را در خود نمایان می‌کند و گویی نقش آن‌ها را در دل می‌گیرد. علاوه بر این، با تشبیه جان به آینه آن را محسوس می‌سازد و درک آن را برای خواننده ساده‌تر می‌کند.

در مصراع دوم، شاعر «دل» را در فرو رفتن در زلف معشوق، به شانه مانند کرده است. «چو» ادات تشبیه و بیانگر پیوند شباهت است. مقصود شاعر حسی کردن مشبه (دل) و اثبات ممکن بودن صفتی است که برای آن ادعا کرده است. شاعر ادعا کرده که دل او در زلف محبوب فرورفته است و برای آن که این ادعا را ممکن جلوه دهد، آن را به شانه تشبیه کرده که کارش فرو رفتن در زلف است. این تشبیه شاعر، ذهن مخاطب را اقناع می‌سازد. غرض دیگری که شاعر از این تشبیه داشته، اغراق در پیوستگی دل با زلف یار است که این نیز سبب تخیل و برانگیخته شدن عواطف خواننده می‌شود.

با دقت در مثال‌هایی که خواندیم، درمی‌یابیم که تشبیه چهار پایه دارد: مشبه، مشبه به، ادات تشبیه و وجه شبه. مشبه و مشبه به را «طرفین تشبیه» می‌نامند و هیچ تشبیه‌ی را نمی‌توان یافت که طرفین تشبیه در آن نباشند. البته گاه مشبه، به قرینه‌ی لفظی حذف می‌شود؛ یعنی، در

جمله حضور ندارد اما هنگامی که به معنی عبارت توجه کنیم، در معنی حاضر است؛ مانند مثال سوم. در یک تشبیه، ادات و وجه شبه می‌توانند حذف شوند که در درس بعد به آن می‌پردازیم.

تشبیه: ادعای همانندی میان دو یا چند چیز است.
مشبّه، مشبّه‌به، ادات تشبیه و وجه شبه پایه‌های تشبیه‌اند.
مشبّه: چیزی یا کسی است که قصد مانند کردن آن را داریم.
مشبّه‌به: چیزی یا کسی است که مشبّه، به آن مانند می‌شود.
ادات تشبیه: واژه‌ای است که نشان دهنده‌ی پیوند شباهت است. این واژه می‌تواند، حرف، فعل و ... باشد.
وجه شبه: ویژگی یا ویژگی‌های مشترک میان مشبّه و مشبّه‌به است.
وجه شبه معمولاً باید در مشبّه‌به، بارزتر و مشخص‌تر باشد.
مشبّه و مشبّه‌به، را طرفین تشبیه می‌نامند. این دو در تمام تشبیهات حضور دارند اما ادات و وجه شبه می‌توانند حذف شوند.
برای فهم یک تشبیه باید به سراغ مشبّه‌به رفت که مهم‌ترین پایه‌ی تشبیه است؛ زیرا وجه شبه از آن استنباط می‌شود.
غرض از تشبیه، توصیف، اغراق، مادّی کردن حالات و ... است.
راز زیبایی تشبیه در همانندی‌های پیش‌بینی نشده‌ای است که برای انسان کشف می‌کند. این نوع تشبیه که معمولاً مشبّه‌به آن از حواس مردم عادی دورتر است، ذهن را با شگفتی، درنگ و تلاش همراه می‌سازد و این تلاش، منشأ لذت هنری است.

۱- در شعرها و عبارتهای زیر پایه‌های تشبیه را معین کنید.

ایام گل چو عمر به رفتن شتاب کرد ساقی به دور باده‌ی گلگون شتاب کن

«حافظ»

گفتا برو چو خاک تحمل کن ای فقیه یا هر چه خوانده‌ای همه در زیر خاک کن

«سعدی»

گرت زدست برآید چو نخل باش کریم ورت به دست نیاید چو سرو باش آزاد

«سعدی»

چون شب‌نم اوفتاده بدم پیش آفتاب مهرم به جان رسید و به عیوق بر شدم

«سعدی»

تو هم چون گل زخندیدن لب‌ت با هم نمی‌آید روا داری که من بلبل، چو بوتیمار بنشینم

«سعدی»

۲- واژه‌ها و ترکیبات زیر، طرفین تشبیه‌اند. برای هر مشبّه، مشبّه‌به مناسب انتخاب کنید.

حسود، زندگی، علم، سخن سودمند، باران بهاری، رودخانه، بیمار، چراغ

۳- بیت زیر را معنی کنید و زیبایی تشبیه آن را توضیح دهید.

میان‌گرفته‌می‌خندم که چون شمع اندر این مجلس زبان آتشینم هست، لیکن در نمی‌گیرد

«حافظ»

۴- با هر یک از مشبّه‌های زیر یک تشبیه بسازید.

شب، کتاب، عشق، دوست

۵- با هر یک از مشبّه‌به‌های زیر یک تشبیه بسازید.

دریا، آینه روشن، گل سرخ

۶- با وجه‌شبه‌های زیر تشبیه بسازید و طرفین تشبیه را در آن نشان دهید.

بخشنندگی، پاکی، زیبایی

۷- درختی را در گویر به اختصار وصف کنید و در توصیف خود سه تشبیه را به کار ببرید.

تشبیه بلیغ

(۱) ایام گل چو عمر به رفتن شتاب کرد

ساقی به دور باده‌ی گلگون شتاب کن

«حافظ»

(۲) چودریای خون شد همه دشت و راغ

جهان چون شب و تیغ‌ها چون چراغ

«فردوسی»

(۳) که نیام کوهم از صبر و حلم و داد

کوه را کی در ریاید تند باد

«مولوی»

(۴) تو سرو جویباری، تو لاله‌ی بهاری

تو یار غمگساری، تو حور دلربایی

«فرخی سیستانی»

(۵) دست از مس وجود چو مردان ره بشوی

تا کیمیای عشق بیابی و زرشوی

«حافظ»

* به بیت نخست دقت کنید؛ در مصراع اول آن با تشبیهی روبه‌رو هستیم که تمام

پایه‌هایش ذکر شده‌اند. «ایام گل» مشبّه، «عمر» مشبّه‌به، «چو» ادات تشبیه و «رفتن» وجه‌شبه

۱ - این بیت از داستان «اخلاص عمل» از مثنوی مولوی است. قهرمان این داستان و مرجع ضمیر «م»

در دو واژه‌ی «نیام و کوهم» علی (ع) است.

است. مخاطب از این تشبیه لذت می برد؛ زیرا شاعر توانسته است با تصرفی که در طبیعت کرده و پیوند شباهتی که میان ایام گل و عمر پدید آورده است، گذران روزگار حکمرانی گل را به بهترین شکل تصویر کند و به تعبیر دیگر، حال مشبه را به بهترین صورت نشان دهد اما ذهن مخاطب برای فهم این تشبیه به تلاشی نیازمند نیست؛ زیرا پایه های تشبیه همه بیان شده اند.

* در شاهد دوم با چهار تشبیه روبه رو هستید. دشت و راغ به دریا، جهان به شب و

تیغ ها به چراغ مانند شده است. شاعر وجه شبه را به عمد نیاورده است تا ذهن مخاطب را به تلاش وادارد که بارزترین صفت مشبه به اول (دریایی از خون) را دریابد و آن گاه به راز همانندی مشبه و مشبه به - که سرخ رنگی است، - پی برد. هرچه این تلاش بیش تر باشد، تأثیر تشبیه بیش تر و لذت خواننده از این صورت خیال افزون تر است. دو تشبیه دیگر نیز این گونه اند. در تشبیه دوم، ذهن باید بارزترین صفت شب (مشبه به) را بیابد و در عین حال از تناسب این تشبیه با تشبیه بعدی نیز غافل نباشد. کاوش ذهن برای یافتن این پیوندها و رعایت این تناسب ها، سبب لذت هنری خواننده است و باعث می شود که تشبیه در ذهن او بیش تر تأثیر بگذارد.

نکته ی دیگری که ذهن پس از کندوکاو بسیار آن را در خواهد یافت، تضادی است که در مصراع دوم میان دو وجه شبه وجود دارد؛ زیرا اولی، تاریکی و دومی، روشنی است و این نیز از اسباب خیال انگیزی است و عواطف خواننده را برمی انگیزد.

یادآوری این نکته بجاست که ذکر وجه شبه، شباهت طرفین تشبیه را محدود می سازد و مانع تلاش ذهن می شود اما حذف آن این امکان را برای ذهن فراهم می آورد تا هر نوع شباهتی را میان طرفین جست و جو کند و سرانجام بارزترین و مناسب ترین آن ها را بیابد.

* در مثال سوم، علی (ع) - که مرجع ضمیر متصل «م» است - خود را در صبر، حلم و داد به کوه تشبیه کرده است. علی (ع) مشبه، کوه مشبه به و صبر، حلم و داد وجه شبه است. چنان که می بینید، شاعر ادات تشبیه را حذف کرده است. آیا می دانید مقصود وی از این کار چه بوده است؟

غرض اصلی از تشبیه، یک‌سان دانستن خیالی دو چیز متفاوت است و به تعبیر دیگر، عین هم دانستن دو چیز که غیر هم هستند. وقتی که ادات تشبیه ذکر شود، ذکر آن‌ها دلیلی است بر این که مشبّه و مشبّه‌به دو چیز جدا هستند اما زمانی که ادات حذف شود، همانندی طرفین تشبیه به صورت محسوس‌تر و دقیق‌تر آشکار می‌شود. از طرف دیگر، بیان ادات تشبیه از تلاش ذهن برای دریافت پیوند میان مشبّه و مشبّه‌به می‌کاهد. عدم فعالیت ذهن سبب می‌شود تا مخاطب پس از کشف همانندی میان مشبّه و مشبّه‌به، لذت چندانی نبرد؛ زیرا مقدار لذت هنری که از کشف همانندی میان دو پدیده احساس می‌شود، به میزان جست‌وجوی ذهن در این راه بستگی دارد؛ یعنی، تلاش ذهنی بیش‌تر، لذت ادبی بیش‌تری در پی خواهد داشت و تلاش کم، لذت اندکی را نصیب خواننده یا شنونده می‌سازد.

* در بیت چهارم، شاعر یار خویش را به سرو، لاله و حور تشبیه کرده است و مقصود وی اغراق در زیبایی و کمال اوست. در همه‌ی تشبیهات، تنها طرفین تشبیه بیان شده‌اند و ادات و وجه‌شبه حذف گردیده‌اند. با این کار، اغراق در هم‌سانی و اتحاد مشبّه و مشبّه‌به به اوج می‌رسد و هیچ نشانه‌ای بر جدایی طرفین تشبیه از هم وجود ندارد. ذهن باید با تلاش بسیار این شباهت را دریابد و آن‌گاه در پی وجه‌شبه باشد؛ یعنی، فهم این نوع تشبیهات نیازمند تلاش ذهنی دو چندان است. از این‌رو تأثیر بیش‌تری دارد و خواننده از آن‌ها بیش‌تر لذت می‌برد. این نوع تشبیه را **بلیغ** می‌گویند که رساترین نوع تشبیه است.

* در آخرین مثال به ترکیب «مس وجود» دقت کنید؛ چه پیوندی این دو واژه را به هم اضافه کرده است؟ حق با شماست. پیوندی که میان این دو واژه وجود دارد، شباهت است. این دو طرفین یک تشبیه هستند که ادات و وجه‌شبه آن‌ها حذف شده است. «وجود» مشبّه و «مس» مشبّه‌به است؛ به تعبیر دیگر، این یک تشبیه بلیغ است که در آن، طرفین تشبیه با مصوّت کوتاه «ب» (کسره‌ی اضافه) به یک‌دیگر پیوسته‌اند. این نوع تشبیه بلیغ همان است که در دستور زبان فارسی آن را «اضافه‌ی تشبیهی» خوانده‌اند. تشبیه بلیغ می‌تواند به شکل اضافی یا اسنادی بیاید ولی در هر حال، رساترین و خیال‌انگیزترین تشبیهات است.

وجه شبه و ادات تشبیه را می‌توان از تشبیه حذف کرد.
 حذف وجه شبه سبب تلاش ذهنی و کسب لذت ادبی بیش‌تر می‌گردد و
 بر تأثیر تشبیه می‌افزاید.
 حذف ادات تشبیه، ادعای اتحاد و هم‌سانی مشبّه و مشبّه‌به را قوّت
 می‌بخشد و تلاش و کندوکاو ذهن را افزون می‌سازد.
 تشبیهی که ادات و وجه شبه آن حذف شود، «تشبیه بلیغ» نام دارد.
 تشبیه بلیغ بر دو نوع است :

۱- اسنادی، که در آن «مشبّه‌به» به «مشبّه» اسناد داده می‌شود؛ مانند
 علم نور است.

۲- اضافی که آن را اضافی تشبیهی می‌خوانند و در آن یکی از طرفین
 تشبیه به دیگری اضافه می‌شود؛ مانند: درخت دوستی (مشبّه‌به، به مشبّه) لب
 لعل (مشبّه، به مشبّه‌به)، مس وجود، قد سرو و ...
 تشبیه بلیغ رساترین، زیباترین و مؤثرترین تشبیهات است.

خودآزمایی

۱- در بیت‌ها و جمله‌های زیر، تشبیهات را بیابید و تعیین کنید که در آن‌ها، کدام یک از پایه‌های تشبیه حذف شده است.

شبی چون شبّه، روی شسته به قیر

نه بهرام پیدا نه کیوان نه تیر

«فردوسی»

در شجاعت شیر ربّانیستی

در مروت خود که داند کیستی؟

«مولوی»

فرآش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترده و دایه‌ی ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین پیرورد.

«سعدی»

لبت تا در لطافت لاله‌ی سیراب را مانند دلم در بی‌قراری چشمه‌ی سیماب را ماند

«شهریار»

«سعدی»

— وزرا بر مثال اطّابانده.

— یکی را گفتند: عالم بی‌عمل به چه ماند؟ گفت به زنبور بی‌عسل.

— دروغ گفتن به ضربت لازم ماند که اگر نیز جراحی درست شود، نشان بماند.

«سعدی»

از بس که کوتاه است و سیه زلف یار من گویی که روز من بود و روزگار من

«مجربلقانی»

هیچ شک نیست که روزی اثری خواهد کرد تیر آهی که به وقت سحر انداخته‌ایم

«اوحدی مراغه‌ای»

۲ — در بیت زیر، یک تشبیه بلیغ اضافی به کار رفته است. آن را بیابید و به گونه‌ای بازنویسی

کنید که همه‌ی پایه‌های تشبیه در آن دیده شود. یک تشبیه غیربلیغ نیز در بیت دیده می‌شود. کدام

پایه‌ی آن حذف شده است؟ آن را به صورت تشبیه بلیغ اضافی و غیراضافی درآورید.

گذشت روزگاران بین که دوران شباب ما در این سیلاب غم، دسته‌ی گلی شاداب را ماند

«شهریار»

۳ — تشبیهاتی بسازید که ادات تشبیه در آن‌ها ذکر شده باشد و مشبّه آن‌ها واژه‌های زیر باشد.

آسمان، حقیقت، شادی

۴ — تشبیهاتی بسازید که مشبّه به آن‌ها واژه‌های زیر باشد و ادات تشبیه از آن‌ها حذف شده باشد.

نسیم، بهار، شبنم

۵ — تشبیهاتی بلیغ (اضافی و غیراضافی) بسازید که واژه‌های زیر مشبّه آن‌ها باشد.

دانش، تعلیم، دوستی